

روش مقایسه‌ای: چیستی، چرایی و چگونگی به کارگیری آن در علوم سیاسی

حسین هرسیج*

چکیده

به کارگیری روش مقایسه‌ای در مطالعه جوامع، نظام‌ها، پدیده‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هست. این روش می‌تواند آگاهی محقق را درباره پدیده مورد مطالعه افزایش دهد، او را از تعمیمات بیجا بازدارد و موجب استفاده از تجارب مطلوب دیگر جوامع در تدوین و اجرای سیاست‌ها و استفاده بهینه از منابع و امکانات گردد. روش مقایسه‌ای می‌تواند محدودیت‌ها و نارسایی‌های روش‌های مختلف سنتی، موردی و آماری را جبران سازد و محقق را در تدوین نظریات با توجه به نقاط مشترک بین نمونه‌های مورد مطالعه و طبقه‌بندی پدیده‌ها، با عنایت به نقاط تمایز موجود بین نمونه‌ها، یاری کند. نحوه انتخاب نمونه‌ها در روش مقایسه‌ای باید به گونه‌ای باشد که از هر نوع، حداقل یک نمونه مورد بررسی قرار گیرد و تعداد نمونه‌ها متناسب با نقاط اشتراک و اختلاف بین پدیده‌های مورد مطالعه انتخاب گردند تا پژوهشگر بتواند به دو هدف اصلی از به کارگیری روش مقایسه‌ای، یعنی تئوری‌پردازی و گونه‌شناسی، دست یابد. البته با توجه به اطلاعات و واقعیات جدید، نظریات و تقسیم‌بندی‌های به دست آمده ممکن است رد یا تأیید گردند. به کارگیری روش مقایسه‌ای در علوم سیاسی نیز از محدودیت‌هایی برخوردار است که از آن جمله می‌توان به کم‌نظیری یا بی‌مانندی پدیده‌های سیاسی در مقایسه با پدیده‌های فیزیکی، سردرگمی محقق در انتخاب نمونه‌های به ظاهر متشابه ولی در واقع متمایز، معانی متفاوت پدیده‌های

* عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

سیاسی، و نیز تمایلات سیاسی و ارزشی محقق در انتخاب نمونه‌ها اشاره کرد. با توجه به مزایا و مشکلات روش مقایسه‌ای و با عنایت به اهداف مورد نظر محققان، می‌توان از این روش نیز برای مطالعه تطبیقی نظام‌ها، سیاست‌ها و پدیده‌های سیاسی استفاده کرد.

مقدمه

به کارگیری روش مقایسه‌ای در مطالعه جوامع، نظام‌ها، پدیده‌ها و خط مشی‌های سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به طوری که در کشورهای پیشرفته حکومت‌ها و نظام‌های تطبیقی به عنوان رشته‌ای مستقل و مجزایمانند رشته روابط بین‌الملل محسوب می‌گردد. با توجه به اهمیت استفاده از این روش در علوم سیاسی، در این مقاله تلاش می‌شود که ضمن اشاره به نقاط قوت و ضعف روش‌های سنتی، موردی و آماری، روش مقایسه‌ای توصیف گردد. سپس با یک تجزیه و تحلیل علمی و ذکر توانایی‌های این روش برای نظریه پردازی، پیش‌بینی و گونه‌شناسی، ضرورت استفاده از آن در یک پژوهش علمی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در پایان ضمن توجه به نحوه انتخاب نمونه‌ها در روش مقایسه‌ای به مشکلات و ناتوانی‌های آن اشاره می‌شود.

اهمیت روش مقایسه‌ای

روش مقایسه‌ای از سه جهت دارای اهمیت است. اول آنکه آگاهی محقق را از کشورهای مختلف افزایش می‌دهد. جبوانی سارتوری (*Giovani Sartori*)، یکی از دانشمندان برجسته نظام‌های تطبیقی، معتقد است که اگر اطلاعات پژوهشگر علوم سیاسی محدود به یک کشور باشد گویی او نسبت به هیچ کشور آگاهی ندارد. به عبارت دیگر به کارگیری روش مقایسه‌ای نه فقط معرفت محقق را نسبت به کشورهای دیگر افزایش می‌دهد، بلکه به اطلاعات وی نسبت به کشور خاص خود نیز می‌افزاید (*Sartori, 1991*). معرفت بخشی این روش تا حدی است که بعضی از اندیشمندان علوم سیاسی علمیت مطالعه یک پدیده سیاسی را مشروط به انجام آن به روش مقایسه‌ای دانسته‌اند.

دوم آن که روش مقایسه‌ای محقق را از تعمیمات بیجا بازمی‌دارد. برای مثال، بعضی از پژوهشگران توسعه و نوسازی با مطالعه توسعه کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راه نوسازی برای کشورهای جهان سوم ریشه‌کن کردن عادات، سنن و

باورهای قدیمی و جایگزین کردن آن‌ها با اعتقادات و نهادهای اجتماعی مدرن است، در حالی که محقق بصیر با مطالعه دیگر کشورهای توسعه یافته غیراروپایی از جمله ژاپن علاوه بر اطلاع از واقعیات فرهنگی و اجتماعی کشوری دیگر، از تجویز نسخه‌ای واحد برای همه کشورهای جهان پرهیز می‌کند و در می‌یابد که می‌توان با آمیزه‌ای از سنت‌های مطلوب قدیمی و نهادها و باورهای جدید به توسعه در ابعاد مختلف دست یافت.

عبرت آموزی از تجارب دیگران نیز سومین مورد مهم است که با استفاده از روش مقایسه‌ای می‌توان به آن دست یافت. در صورتی که اتخاذ یک خط مشی نتیجه نامطلوب برای یک کشور داشته باشد، دولتمردان و سیاستمداران آن جامعه می‌توانند از به کارگیری آن در کشور خود اجتناب کنند. مثلاً جلال آل احمد با بررسی مقایسه نهضت مشروطیت و نهضت ملی شدن نفت ایران، اختلاف و واگرایی دو گروه از فعالان انقلاب یعنی روحانیون و روشنفکران را از مهم‌ترین عوامل شکست این نهضت‌ها دانسته است (۵۷-۵۲: ۱۳۵۷). چنین یافته‌ای می‌تواند برای کسانی که خواهان بقای انقلاب اسلامی اند عبرت آموز باشد و عزم آن‌ها را در وفاق اجتماعی خصوصاً همگرایی بین دو گروه مذکور جزم کند تا تداوم انقلاب را تضمین کنند. به علاوه، مخالفان داخلی و خارجی انقلاب نیز با دانستن این موضوع خواهند توانست با ایجاد اختلاف بیش‌تر بین دو گروه فوق‌الذکر، موجبات شکست انقلاب را فراهم آورند و یا از پیدایش انقلاب در آینده جلوگیری کنند.

روش مقایسه‌ای چیست؟

برای آشنایی بیش‌تر با روش مقایسه‌ای لازم است آن را با روش‌های سنتی (Traditional Method)، موردی (Case Study) و آماری (Statistical Analysis) مقایسه کنیم. لازم به یاد آوری است که توجه به نقاط ضعف این روش‌ها به معنای نادیده انگاشتن نقاط قوت آن‌ها به سود روش مقایسه‌ای نیست. روش سنتی که تا پایان جنگ دوم جهانی مورد استفاده دانشمندان سیاسی بوده به مطالعه پدیده‌های مختلف درباره یک کشور خاص می‌پرداخت. به عنوان نمونه کشور انگلیس از نظر سازمان‌های اداری، احزاب، نیروهای نظامی، قوای سه‌گانه و غیره مورد مطالعه قرار می‌گرفت، ولی در روش مقایسه‌ای، یک پدیده در کشورهای مختلف مورد بررسی محقق قرار می‌گیرد. مثلاً پدیده

انقلاب سیاسی در کشورهای گوناگون چون روسیه، چین، فرانسه و ایران مطالعه می‌شود تا بتوان عوامل مؤثر در پیدایش انقلاب را پیدا کرد.

در مطالعه موردی فقط یک نمونه بررسی می‌گردد. این روش فی‌نفسه می‌تواند ماده خامی برای آزمون تئوری‌ها و فرضیات موجود باشد که در آن یا تئوری‌های موجود تقویت می‌گردند یا محقق به یافتن یک نمونه انحرافی و غیرعادی رهنمون می‌گردد. مثلاً فقدان حزب سوسیالیستی در ایالات متحده امریکا موردی استثنایی است، ولی رشد احزاب سوسیالیستی در کشورهای اروپایی وجه غالب است. از اشکالات عمده این گونه مطالعات این است که قابلیت محقق را برای ارائه یک تئوری کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر با مطالعه یک مورد نمی‌توان تئوری پردازی کرد که از اهداف اصلی تحقیقات علمی شمرده می‌شود. به علاوه محقق ممکن است به غلط با مطالعه یک مورد دست به تعمیماتی بزند که برآمده از واقعیات بنا شد که این همانا مغالطه جزء و کل یا دیدن شاخه به جای درخت است. از دیگر آفات مطالعه موردی این است که اگر محقق تمامی کوشش‌هایش را صرف تحقیق در مورد یک نمونه خاص کند از مطالعه موارد دیگر باز می‌ماند یا مطالعاتش درباره موارد دیگر کمرنگ می‌گردد.

در تجزیه و تحلیل آماری نیز همه یا بسیاری از کشورهای جهان مورد مطالعه قرار می‌گیرند. برای نمونه می‌توان به اطلاعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سازمان‌های بین المللی، نظیر سازمان ملل، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در مورد کشورهای مختلف جهان اشاره کرد. بدیهی است که هر چه تعداد نمونه‌ها زیادتر باشد نقاط اشتراک بین موارد مختلف کم‌تر می‌شود و در نتیجه توان محقق برای نظریه پردازی کاهش می‌یابد. به علاوه داده‌های به دست آمده در مورد کشورهای مختلف دارای معانی متفاوت است. مثلاً تولید ناخالص ملی سرانه دو هزار دلار در یک کشور پیشرفته صنعتی مانند آمریکا نشانه توسعه نیافتگی است، ولی در کشوری دیگر نظیر هند از علائم توسعه به شمار آید. از نقاط قوت این گونه تجزیه و تحلیل‌ها این است که اطلاعات ما را درباره کشورهای دیگر افزایش می‌دهد و محقق می‌تواند به صورت گزینشی از اطلاعات فوق الذکر در جهت اهداف تحقیق استفاده کند.

با توجه به مشکلات روش‌های فوق‌الذکر، می‌توان از روش مقایسه‌ای استفاده کرد که واجد نقاط قوت روش‌های مذکور و فاقد نقاط ضعف آنها است، هر چند خود این

روش معضلاتی دارد که به آن اشاره خواهد شد.

مطلب دیگری که به روشن‌تر شدن معنای روش مقایسه‌ای کمک می‌کند اختلاف آن با طبقه‌بندی (*Classification*) است. در این خصوص کالربرگ (*Kallerberg*) می‌گوید که رابطه بین اجزا در طبقه‌بندی، رابطه «این یا آن» است که هیچ نقطه اشتراکی بین اجزای مختلف آن وجود ندارد، ولی در مقایسه آن چه مورد نظر است درجه اختلاف یا تشابه است که ممکن است «کم‌تر یا بیش‌تر» باشد (*Kallerberg 1966:77-8*). مثلاً در طبقه‌بندی انواع نظام‌های سیاسی، آن‌ها را معمولاً به نظام‌های دموکراتیک و استبدادی تقسیم می‌کنند و نمی‌توان نظامی را یافت که دارای هر دو ویژگی باشد، بلکه یا باید دموکراسی باشد یا استبدادی، هرچند در مقام عمل و واقعیت نمی‌توان نظامی را یافت که صد درصد مشروع و برآمده از خواست همه مردم باشد یا صد درصد نامشروع و مغایر خواسته‌های مردم، زیرا هر نظام سیاسی دارای درجاتی از مشروعیت است و اختلاف در درجات آن است که در نظام‌های دموکراتیک این درجه مشروعیت بیش از نظام‌های دیگر است، در حالی که در نظام‌های استبدادی درجه به کارگیری زور بیش‌تر از مشروعیت و مقبولیت حاکمان در بین مردم است.

پس از روشن شدن نقاط ضعف روش‌های سنتی، موردی، تجزیه و تحلیل آماری و اختلاف آن با طبقه‌بندی، حال باید ببینیم که روش مقایسه‌ای چیست؟ سارتوری بر این باور است که مقایسه سیستم‌ها، سیاست‌ها و جوامع به معنای شناسایی موارد تشابه و تمایز از یکدیگر است. به عبارت دیگر درباره مواردی که از همه جهات شبیه یکدیگر هستند یا از همه جوانب با یکدیگر اختلاف دارند مقایسه معنا ندارد، زیرا در وجه اول، مطالعه متماثلین است که مطالعه یکی برابر بررسی دیگری محسوب می‌شود و در وجه دوم، مطالعه موارد متعارض و متضاد با یکدیگر است که غیرقابل مقایسه‌اند، (*Non Comparable*) مانند موجودات زنده و غیر زنده. بنابراین موارد قابل مقایسه (*Comparable*) فقط شامل نمونه‌هایی می‌گردند که از بعضی جهات شبیه به یکدیگرند و از بعضی جهات با یکدیگر در تمایز هستند (*Sartori 1991: 246*).

چرا از روش مقایسه‌ای استفاده می‌کنیم؟

پژوهشگر با استفاده از روش مقایسه‌ای به دو هدف اصلی دست می‌یابد که ناشی از

ماهیت این روش است که در قسمت پیشین ذکر گردید. هدف اول یافتن نقاط اشتراک در موارد مورد مطالعه است که محقق را در تدوین نظریات (Theory Formulation) یاری می‌کند که از اهداف اصلی دانشمندان علوم سیاسی به شمار می‌رود، زیرا اهل تحقیق با توجه به آن نظر می‌توانند پدیده مورد نظر خود را تبیین کنند.

برای مثال، امیل دورکهایم با مطالعه مواردی از پدیده خودکشی توانست دریابد که خودکشی در میان گروه‌های کاتولیک و مت‌اهل کم‌تر از پروتستان‌ها و مجردین است و با یافتن این نقطه که همبستگی اجتماعی ویژگی مشترک بین کاتولیک‌ها و مت‌اهلین است توانست نظریه خود را درباره خودکشی ارائه دهد که همانا رابطه معکوس بین همبستگی اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و خودکشی به عنوان متغیر وابسته بود. بنابراین دورکهایم با مطالعه چند مورد از یک پدیده و با یافتن خصوصیات مشترک بین آن‌ها به انشا و تدوین نظریه پرداخت.

از فواید فرعی و تبعی هدف اول، مسأله پیش‌بینی (Prediction) است، به این معنا که با توجه به نظریه به دست آمده می‌توان به تبیین مورد جدیدی پرداخت که تا به حال درباره آن تحقیق انجام نگرفته است. مثلاً محققى مانند کربن برینتون (۱۳۶۲) با کالبدشکافی چهار انقلاب انگلیس، آمریکا، فرانسه و روسیه به نظریه‌ای در مورد علل انقلاب‌های سیاسی و مراحل مختلف انقلاب دست می‌یابد و می‌تواند با توجه به این تئوری در صورت وجود شرایط مساعد اعلام کند که انقلابی در جای دیگر اتفاق خواهد افتاد یا در جاهایی که انقلاب رخ داده مراحل مختلف آن را پیش‌بینی کند. البته این که تئوری به دست آمده قابلیت تجزیه و تحلیل واقعیت جدید را دارد یا نه باید مورد آزمون قرار گیرد که در صورت تطابق با واقعیات جدید، تئوری موجود تقویت می‌گردد و در غیر این صورت محقق باید با توجه به اطلاعات جدید به تدوین نظریه‌ای جدید بپردازد که علاوه بر فواید تئوری‌های قبلی، قابلیت تبیین واقعیت جدید را نیز داشته باشد. خلاصه کلام آن که محقق با یافتن نقاط اشتراک، تئوری پردازی می‌کند و به تبع آن می‌تواند وقایعی را که اتفاق نیفتاده پیش‌بینی کند که این امر ممکن است منجر به تأیید یا ابطال نظریات موجود گردد.

علاوه بر نظریه پردازی، هدف دیگر محقق از به کارگیری روش مقایسه‌ای می‌تواند گونه‌شناسی (Typology) باشد که برآمده از ویژگی‌های غیر مشترک پدیده مورد تحقیق

است، یعنی با مطالعه نقاط اختلاف مصادیق یک پدیده انواع مختلف آن پدیده را شناسایی کند. مثلاً با بررسی انقلاب سیاسی در کشورهایی چون شوروی، چین، فرانسه و نیکاراگوئه و ایران می‌توان انقلاب‌های جهان را به بورژوازی، سوسیالیستی و مذهبی تقسیم کرد. لازم به یادآوری است که تقسیم‌بندی‌های به دست آمده را می‌توان در مورد رخدادهای جدید نیز اعمال کرد. حال در صورتی که واقعه جدید را نتوان در تقسیمات موجود درباره انواع انقلاب‌ها جا داد، ضرورت دارد تقسیم‌بندی جدیدی ارائه گردد که در برگیرنده واقعیت جدید هم باشد. بنابراین نظریات و گونه‌های به دست آمده از واقعیات موجود جنبه موقتی دارند و تا موقعی که رخدادهای جدید خلاف آن نظریه و گونه‌شناسی را ثابت نکرده باشند از اعتبار علمی برخوردار است.

چگونه نمونه‌ها در روش مقایسه‌ای انتخاب می‌گردند؟

چگونگی انتخاب مصادیق و نمونه‌ها از جمله سؤالاتی است که پس از روشن شدن چرایی و چرایی این روش باید به آن پاسخ مقتضی داده شود. دو عامل در این باره از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که در ارتباط با اهداف روش مقایسه‌ای است. یکی آن که نمونه‌ها باید همه انواع را شامل گردند؛ به این معنا که قبل از انتخاب نمونه‌ها باید یک مطالعه اجمالی در مورد انواع پدیده مورد نظر صورت گیرد و پس از آن محقق از هر نوع حداقل یک نمونه را مورد بررسی قرار دهد، زیرا در غیر این صورت پژوهشگر نمی‌تواند به هدف نظریه‌پردازی نایل گردد.

عامل دیگر این است که تعداد نمونه‌ها باید متناسب با نقاط اشتراک و تمایز باشد، به این معنا که هرچقدر تشابه بین موارد مورد مطالعه بیشتر باشد به تعداد کم‌تری از نمونه‌ها احتیاج داریم و هرچقدر آن پدیده از تمایز بیشتر برخوردار باشد به تعداد نمونه‌های بیشتر برای مطالعه نیازمندیم.

بنابراین با توجه به دو هدف اصلی به کارگیری روش مقایسه‌ای که همانا نظریه‌پردازی و گونه‌شناسی است، نحوه انتخاب نمونه‌ها باید به گونه‌ای باشد که هم از هر نوع حداقل یک نمونه مورد مطالعه قرار گیرد و هم تعداد نمونه‌ها به اندازه‌ای باشد که محقق بتواند با توجه به نقاط اشتراک به تدوین نظریه پردازد و با توجه به نقاط اختلاف و خصوصیات ویژه، گونه‌های مختلف آن پدیده را شناسایی کند.

مشکلات به کارگیری روش مقایسه‌ای

پژوهشگر در انتخاب نمونه‌های مورد نظر در روش مقایسه‌ای با مشکلات عدیده‌ای مواجه است که در این مختصر به چهار مورد آن اشاره می‌گردد.

۱. بسیاری از پدیده‌ها در علم سیاست کم‌نظیر و حتی بی‌مانندند، در حالی که در خصوص پدیده‌های فیزیکی و شیمیایی مشکل کمبود نمونه وجود ندارد و از هر مورد نمونه‌های بسیاری در دسترس است. مثلاً عنصر هیدروژن در آزمایشگاه وجود دارد و شیمیدان می‌تواند از آن در مطالعات خود استفاده کند. ولی تعداد کمی از کشورها وجود دارند که از همه جهات با یکدیگر شباهت داشته باشند. مثلاً پدیده جمهوری اسلامی ایران دارای یک نمونه واحد است و همین امر محقق را در استفاده از نمونه‌های مشابه با مشکل مواجه می‌سازد.

۲. مشکل دوم سردرگمی و تردید محقق در انتخاب نمونه‌هایی است که در ظاهر با یکدیگر شبیه هستند ولی خصوصیات آن‌ها در واقع با یکدیگر متفاوت است. مثلاً انقلاب سوسیالیستی در کشورهای مختلف اروپای شرقی اتفاق افتاده، ولی در بسیاری از آن‌ها جنبه تحمیلی و وارداتی از سوی ابرقدرت شوروی داشته است. همین طور نمونه‌های بسیاری نظیر کشورهای اروپایی، اسرائیل و هند هستند که متصف به صفت لیبرال دمکراسی هستند. پژوهشگری که می‌خواهد در مورد پدیده انقلاب سوسیالیستی یا لیبرال دمکراسی تحقیق کند تردید دارد که کدامیک از کشورها را به عنوان نمونه انتخاب کند. به عبارت دیگر برخلاف پدیده‌های فیزیکی و شیمیایی که در آن هر عنصر هیدروژن جزء و نماینده کل است، در مورد با پدیده‌های سیاسی محقق نمی‌تواند مطمئن شود که نمونه انتخابی وی نماینده کل پدیده مورد نظر است.

مشکل سوم پژوهشگر در روش مقایسه‌ای این است که پدیده‌های مشابه دارای معانی متفاوتند. مثلاً رأی علیه حزب حاکم معانی متفاوتی در کشورهای مختلف دارد. رأی علیه حزب حاکم در کنگره آمریکا، که دارای نظام ریاستی است، با رأی علیه حزب حاکم در مجلس عوام انگلیس، که نظام پارلمانی دارد، یکسان نیست. در اولی با توجه به وجود تفکیک مطلق قوا تغییری در قوه مجریه ایجاد نمی‌گردد، ولی در دومی با توجه به تفکیک نسبی قوا، این رأی منجر به تغییر کابینه می‌گردد. کودتا در کشورهای مختلف نیز دارای معانی متفاوتی است. در بعضی کشورهای جهان سوم، دخالت نظامی نقش مثبت و

سازنده‌ای در تغییر هیأت حاکمه مستبد دارد، ولی در جوامعی که رهبران آن‌ها با رأی مردم روی کار آمده‌اند کودتا می‌تواند کارکردی منفی داشته باشد، زیرا منجر به سرنگونی حکومت مردمی، چون حکومت سالوادور آلنده در شیلی، می‌گردد.

مشکل چهارم نقش قضاوت‌های ارزشی محقق در انتخاب نمونه‌ها است. مثلاً اگر پژوهشگری بخواهد پدیده تروریسم را مورد مطالعه قرار دهد با توجه به دیدگاه ارزشی خود ممکن است نمونه‌های متفاوتی را برای مقایسه برگزیند. یک محقق صهیونیست که اسرائیل را به عنوان مظهر دموکراسی در کشورهای خاورمیانه می‌انگارد، حزب‌الله لبنان و نیروهای حماس را به عنوان نمونه‌های پدیده تروریسم مورد مطالعه قرار می‌دهد، ولی یک محقق مسلمان که صهیونیست‌ها را غده سرطانی در منطقه خاورمیانه می‌داند و حزب‌الله لبنان و جوانان فلسطینی را آزاد مردانی محسوب می‌کند که در مقابل مطامع صهیونیست متجاوز ایستادگی می‌کنند، در تحقیق خود از آن‌ها به عنوان نمونه‌های پدیده تروریسم استفاده نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داده است که روش مقایسه‌ای از نظر ارتقای معرفت، جلوگیری از تعمیمات بیجا و استفاده از تجارب دیگران دارای اهمیت است. با توجه به نقاط قوت و ضعف روش‌های سنتی، موردی و آماری نشان داده شده در صورتی که محقق در پی تدوین نظریه و گونه‌شناسی باشد می‌تواند این روش را به کارگیرد. در پایان ضمن توجه به چگونگی انتخاب نمونه‌ها در روش مقایسه‌ای به مشکلات این روش در علوم سیاسی، نظیر بی‌مانندی بعضی پدیده‌های سیاسی، تردید محقق در انتخاب نمونه‌های یک پدیده، معانی متفاوت پدیده‌های سیاسی در ذهن پژوهشگران و نیز قضاوت‌های ارزشی آن‌ها در انتخاب نمونه‌ها اشاره شد. با عنایت به نقاط قوت، مشکلات و محدودیت‌های روش مقایسه‌ای محققان می‌توانند از این روش برای مقایسه نظام‌ها، سیاست‌ها و پدیده‌های سیاسی بهره‌مند شوند.

منابع و مأخذ:

الف: منابع فارسی

- آل احمد، جلال، ۱۳۵۷. در خدمت و خیانت روشنفکران، جلد دوم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- برینتون، کریب. ۱۳۶۲. کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نو
- راین، آلن، ۱۳۶۷، فلسفه علوم تجربی، ترجمه عبدالکریم سروش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سیف زاده، سید حسین، ۱۳۷۳. نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی. تهران: نشر قومس.

ب: منابع انگلیسی

- Almond, Gabriels . and G.B. Powell. eds. 1992. *Comparative Politics Today: A Worldview*. 5th.ed. New York: Harper Collins.
- Dogan, Mattei & Dominique Pellassy. 1990. *How to Compare Nations: Strategies in Comparative Politics*. 2nd ed. New Jercy: Chatha. House Publishers.
- Hague, Rod, Martin Harrop, and Shaun Breslin. 1993. *Comparative Government and Politics*. 3rd ed. London: Mac Millan.
- Kallerberg, A.L. 1966. "The Logic of Comparison: A Methodological Note on the Comparative Study of Political System". *World Politics*. 19: 69-82.
- Keat, Russel and John Urry. 1975. *Social Theory as Science*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Kemeny John G. 1959. *A Philosopher Looks at Science*. Princeton, NJ. Van Nostrand.

- Lijphart Arend. 1971. "Comparative Politics and the Comparative Method". *American Political Science Review*. 65: 682-93.
- Macridis, R. and B. Brown, eds. 1990. *Comparative Politics: Notes and Readings Belmont, Calif: Brooks, Cole*.
- Sartori, Giovanni. 1991. "Comparing and Miscomparing". *Journal of Theoretical Politics*. 3(3): 243-257.

حمید هادیان

چکیده



شکل‌گیری پژوهش پروژه‌شماره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آمریکا چه به لحاظ نقش

رتال جامع علوم انسانی